

بهشت؛ مفهومی مشترک میان قرآن کریم و عهدین

Abbasi.a@qhu.ac.ir

آزاده عباسی / استادیار دانشگاه علوم قرآن و حدیث شهر ری (پردیس تهران)

دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۵ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

چکیده

مطابق تعالیم ادیان الهی، حیات افراد بشر پس از مرگ نیز ادامه می‌یابد. با وجود اینکه اعتقاد به معاد، جسمانی و یا روحانی، از ارکان مهم ادیان الهی به شمار می‌رود، اما نوع نگرش نسبت به کیفیت زندگی اخروی، دارای تفاوت‌هایی است. «بهشت»، به عنوان یکی از اجزای مهم زندگی سرای باقی، از جمله تعالیم مشترک میان اسلام و مسیحیت است. بهشت عبارت است از جایی که ارواح نیکوکاران به آن راه می‌یابد. ادیان الهی در عین معرفی جایگاه اعلی برای بهشت، به نوعی از مشخص کردن مکان معین طفره می‌روند. بهشت را سرای نعیم جاودانه معرفی می‌کنند. در ادیان الهی در خصوص مسئله ازدواج در بهشت، اختلاف نظرات بسیاری وجود دارد. همچنین، بهشت آدم و حوا در عین اینکه از مشترکات ادیان الهی است، اما در خصوص کیفیت آن، اختلاف نظرات بسیاری دیده می‌شود. این پژوهش برآن است تا اعتقادات مشترک میان اسلام و مسیحیت، در خصوص بهشت را مطرح و وجوه افتراق آن را به بحث بگذارد. بدین ترتیب، به این شبهه که بهشت موصوف در قرآن، مطابق امیال و شهوات زمان نزول قرآن است، نیز پاسخ داده خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ادیان الهی، اسلام، مسیحیت، بهشت، نعم بهشتی.

یکی از ضروریات مهم در آموزه‌های بنیادین دینی، در همه ادیان الهی مسئله «رستاخیز» است. از نظر ادیان الهی، حیات افراد بشر پس از مرگ فیزیکی آنها استمرار می‌یابد. اعتقاد به معاد، اعم از جسمانی و یا روحانی و اعتقاد به برپاخیزی اهل قبور، از ارکان ادیان الهی به شمار می‌رود. اما آراء و نظرات ایشان، در خصوص جزئیات زندگی اخروی و کیفیت آن متفاوت است. اگرچه بحث به صورت کلی دارای مشترکاتی است و در اصل وجود معاد و زندگی پس از مرگ اتفاق نظر وجود دارد، اما همین مشترکات در مقایسه و مقارنه با هم دارای تفاوت‌هایی می‌باشند. بهشت و جهنم و برزخ، از جمله مواردی است که ادیان الهی کم و بیش به آن پرداخته‌اند و پرداختن به این امور و بیان نعم بهشتی، فقط مخصوص اسلام و قرآن نیست. آنچه مهم است، جامعیت پرداخت قرآن به این موضوع می‌باشد. بهشت، یکی از مهم‌ترین آموزه‌هایی است که در ادیان الهی به آن تصریح شده است.

چنانکه بیان شد، ادیان الهی به مسئله معاد و زندگی پس از مرگ توجه ویژه‌ای دارند. در میان ادیان الهی، یعنی اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت، بیشترین توجه را دین اسلام به معاد و جزئیات پس از مرگ دارد. پس از دین اسلام، زرتشت و مسیحیت و یهود، به ترتیب به مسئله حیات اخروی توجه‌هایی دارند. به طوری که می‌توان گفت: دین اسلام از لحاظ اصول، کامل‌ترین و روشن‌ترین ادیان الهی به شمار می‌رود. در قرآن کریم، بارها وضع قیامت، دوزخ، برزخ، بهشت مطرح شده است. گوشه‌هایی از زندگی اخروی و حیات پس از مرگ، در قرآن کریم ترسیم شده است. قرآن کریم، هرگونه شک و تردید در خصوص برانگیخته شدن پس از مرگ را رد نموده، و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبُعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِّنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ كَمَ» (حج: ۵)؛ ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید (به این نکته توجه کنید) که ما شما را از خاک آفریدیم سپس از نطفه و پس از خون بسته سپس مضمغه که برخی دارای شکل است و برخی بدون شکل تا برای شما روشن سازیم. باید توجه داشت که با توجه به آیه ۱۱ سوره توبه و نیز مطالب مطرح شده در سایر ادیان، این مسئله فقط مختص اسلام نیست. از آن جمله، آئین مسیحیت نیز حاوی مطالب گوناگونی در زمینه مباحث و اعتقادات اخروی است. این مطالب هم در کتب مقدس عهد عتیق و عهد جدید و هم در کتب تاریخی پس از آن دیده می‌شود.

در عهد قدیم، اصولاً تعریف مشخصی از دنیای پس از مرگ نمی‌توان یافت (ر.ک: الشلی، ۱۹۷۳، ص ۱۹۵)، فقط اعتقاد به ابدیت در آن هویدا است. اعتقادات اولیه در عهد قدیم، تنها دال بر این است که «بیهوه»، مظهر کامل عدالت است. در ادوار باستانی، مختصر عقیده ساده و اجمالی داشتند، آنها می‌پنداشتند که اموات پس از مرگ به حفره و هاویه‌ای فرو افتاده، و در آنجا وجود بیرنگ و حیاتی نامعلوم خواهند داشت. آن مکان را به زبان خود «شئول» می‌نامیدند که ظلمت، سکوت و فراموشی مطلق است. این عقیده، بعدها رفته رفته محو و به جای آن و به تفصیل، عقاید دیگری قرار گرفت. باتوجه به سایر منابع، چنین به دست می‌آید که ظاهراً بعدها علما رأی دادند که دنیای جاوید، شامل دو قسمت است که برای ارواح بدکار و نیکوکار می‌باشد. این هر دو، جنبه جاودانی دارند. ارواح پارسا به مأمی ابدی می‌روند که جایگاه همه گونه خوشی است و ملائک خیر در آن با ایشان همراه‌اند (بی‌ناس، ۱۳۷۵، ص ۵۴۹).

با تأمل در اسفار خمسه تورات، هیچ سخنی از رستاخیز، جزاء بهشت و جهنم دیده نمی‌شود. در سایر کتب عهد عتیق نیز در مورد زندگی پس از مرگ، اشاراتی گذرا دیده می‌شود (ر.ک: مزامیر ۴۹: ۱۹ و ۸۸: ۲۲ و ۱۷: ۱۱۵ و کتاب ایوب ۱۰: ۲۲ و ۱۷: ۱۶؛ کتاب جامعه ۹: ۱۰).

لازم به یادآوری است با وجود اینکه پرداختن به مسئله معاد در عهد عتیق بسیار کم و نادر است، اما در مسیحیت بطور قطعی تعلیم داده می‌شود که برای همه افراد مطمئناً روز قضا و جزا وجود دارد. در آن روز، افراد صالح به مقام لذتِ مصاحبت با خداوند نائل می‌شوند. افراد شرور با تبعات سخت دوری از خدا مواجه خواهند شد. در اینجا چند نمونه از عهد قدیم و جدید ذکر می‌شود (ر.ک: تثنیه ۳۲: ۳۹ و اشعیا ۲۶: ۱۹ و قرتیان ۵: ۱۰ و لوقا ۲۳: ۴۳ و رومیان ۸: ۱۱ و متی ۲۵: ۴۶ و ۱۹: ۲۹ و یوحنا ۳: ۱۵ و ۴: ۱۴ و ۶: ۳۹).

- «تمام مردگان زنده خواهند شد، بعضی برای زندگی جاودانه و برخی برای شرمساری و خواری جاودانی» (دانیال ۱۲: ۲).
- «اما مردگان قوم تو زنده خواهند شد، از خاک بر خواهند خاست؛ زیرا شب‌نم تو بر بدن‌های ایشان خواهد نشست و به آنها حیات خواهد بخشید. کسانی که در خاک زمین خفته‌اند، بیدار شده، سرود شادمانی سر خواهند داد» (اشعیا ۲۶: ۱۹).

- «خداوند می‌میراند و زنده می‌کند، و به گور فرو می‌برد و بر می‌خیزاند» (اول سموئیل ۲: ۶).

- «خود را فریب مدهید؛ خدا را استهزاء نمی‌توان کرد؛ زیرا که آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد نمود» (رساله پولس رسول به غلاطیان ۶: ۷).

- «از روح حیات جاودانی خواهد دمید.» (رساله پولس به غلاطیان ۶: ۹).

به نظر می‌رسد، که اصل وجود معاد در ادیان الهی، یکی از ضروریات به شمار می‌رود. این مسئله فقط مختص اسلام و قرآن کریم نیست. تفاوت‌های موجود، در ادیان اختلافاتی در کیفیت و کمیت زندگی پس از مرگ است. بهشت، به عنوان یک از اجزای سرای باقی مسئله‌ای است که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود. در این زمینه، مشترکات ادیان الهی در مورد بهشت مطرح و به اختلافات احتمالی در این خصوص اشاره خواهد شد. قرآن کریم به صراحت بیان می‌کند که بهشت، وعده‌ای الهی است که در همه ادیان الهی به آن بشارت داده شده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ» (توبه: ۱۱)؛ خداوند از مومنان جانها و اموالشان را خریداری کرده که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد... این وعده حقی است.

مسئله تحقیق

پس از طرح سؤال پژوهش، لازم است نکته‌ای بیان شود و آن اینکه در میان پژوهشگران علوم دینی، بحثی مطرح است مبتنی بر اینکه آیا قرآن مطابق فرهنگ خاصی نازل شده است، یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا قرآن متأثر از فرهنگ زمانه خود است؟ در این عرصه، بحث‌های زیادی صورت گرفته است. موافقان و مخالفان نیز ادله خود را مطرح کرده‌اند. یکی از بخش‌های مهم این بحث، توجه به اوصاف بهشتی است که قرآن آن را معرفی می‌کند.

نکته مهم اینجاست که آیا قرآن توصیفاتی از بهشت را نقل می‌کند که مطابق با حسرت‌های مردم عرب جاهلی باشد؟ مثل نهرهای جاری و... در حالی که این اوصاف، برای مردم سایر بلاد جذابتی ندارد؟

در نوشتار حاضر، سعی بر آن است که ضمن دقت و توجه به وجوه مشترک میان قرآن و عهدین در بحث معاد و اینکه اعتقاد به معاد و زندگی پس از مرگ در ادیان الهی بیان شده و مسئله بهشت نیز به‌عنوان یکی از ارکان زندگی پس از مرگ می‌باشد. به این سؤال پاسخ داده شود که آیا توصیفات قرآن از بهشت، منحصر به فرد است، یا در عهدین نیز این اوصاف دیده می‌شود؟

با مطالعه‌ای دقیق‌تر در خصوص بهشت، به این سؤالات پاسخ داده می‌شود که حال که وجود بهشت از دیدگاه ادیان الهی امری حتمی است، مکان بهشت کجاست؟ در بهشت چه نعمتهایی وجود دارد؟ آیا نعم بهشتی جاودانه است؟ آیا ازدواج از منظر ادیان الهی، یکی از نعم بهشتی محسوب می‌شود؟ نگرش ادیان الهی در خصوص بهشت آدم و حوا، با هم چه تفاوت‌هایی دارد؟

اسامی بهشت

به‌طور کلی از منظر دینی، بهشت مکانی است که ارواح نیکوکاران و پارسایان روی زمین، پس از مرگ در آنجا به سعادت جاوید می‌رسد. اعتقاد به بهشت، هموار یکی از معتقدات بشری بوده است. غالباً به صورت جزئی از مسئله حیات اخروی پس از مرگ، از مهم‌ترین اشتغالات فکری آدمی به شمار رفته است. با این وجود، باید گفت: هیچ‌گاه اعتقاد به بهشت در تعالیم الهی، به اندازه اعتقاد به دوزخ قطعیت و صراحت نداشته است. در قرآن کریم، به بهشت و دوزخ از نظر تعداد، به‌طور مساوی اشاره شده است. اما پس از بررسی مطالب کتب مقدس در سایر ادیان الهی، چنین به نظر می‌رسد که این تساوی برقرار نباشد.

در قرآن کریم، از بهشت با عنوان «الجنة» یاد می‌شود. واژه «الجنة» به‌طور کلی به معنای باغ پوشیده است. اما لغویان این باغ را با کمی تفاوت بیان می‌کنند:

الجنة: هر باغ دارای درختی است که با درختانش زمین پوشیده شده باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ذیل ماده جن). همچنین گفته شده است که الجنة: باغی از خرما و درختان و اصل آن از بستر است و از آنجا که شاخه‌های آن، همه را می‌پوشاند، به «جنت» نامیده شده است (طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۲۸). مطابق برخی از دیدگاه‌ها الجنة: بوستانی است دارای درخت و خرما و در آن نوعی تخصیص است که گویند برای خرما و غیر آن می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۱۰۰). فراهیدی می‌گوید: الجنة: بوستان و آن بوستانی است دارای درختان و آبادانی (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۲۲).

لازم به یادآوری است که ابن منظور، از قول ابوعلی، در التذکره یاد آور شده است که واژه «الجنة» در کلام عرب وجود ندارد. این واژه تنها در قرآن کریم و بعدها در احادیث به کار رفته است. منظور از آن، سرای نعیم الهی در آخرت است (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۰۰).

علاوه بر الجنة، بهشت به نام‌های دیگری در قرآن به کار رفته است. در خصوص سایر نام‌های بهشت، ابن عباس می‌گوید: «جمع کلمات جنت به صورت جنات به کار رفته است. این به خاطر بهشت‌های هفتگانه است که عبارتند از: جنة الفردوس، عدن، جنة النعیم، دارالخلد، جنة المأوی، دارالسلام، علیین» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۰۴). لازم به یادآوری است که اسامی دیگری نیز برای بهشت در قرآن به کار رفته است. برخی از آیات قرآن در این خصوص عبارتند از:

- «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ اُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا» (نساء: ۱۲۴)؛ و کسانی از مردان یا زنان که بخشی از کارهای شایسته را انجام دهند، در حالی که مؤمن باشند، پس اینان وارد بهشت می‌شوند، و به اندازه گودی پشت هسته خرما مورد ستم قرار نمی‌گیرند.

- «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا» (کهف: ۱۰۷)؛ کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، باغ‌های فردوس محل پذیرائی آنها خواهد بود.

- «جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا» (مریم: ۶۱)؛ وارد باغ‌های جاودانی می‌شوند که خداوند رحمان بندگان را به آن وعده داده است هر چند که آن را ندیده‌اند مسلماً وعده خدا تحقق یافتنی است.

- «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَمِي عَلِيٍّ» (مطففين: ۱۸)؛ این چنین نیست [که این سبک مغزان درباره نیکان می‌پندارند] بلکه پرونده نیکان در علیین است.

در اناجیل نیز مانند قرآن مجید، بهشت به اسامی متعددی نامیده شده است. که از آن جمله، می‌توان به چهار نام بهشت، اعلی علیین، فردوس و عدن اشاره کرد.

پولس در نامه دوم خود، در بیان رؤیای خود می‌گوید:

چهارده سال پیش به آسمان برده شدم. از من نپرسید که جسمم به آنجا رفت یا روحم؛ خود نیز نمی‌دانم؛ فقط خدا می‌داند. به هر حال خود را در بهشت دیدم. در آنجا چیزهایی حیرت‌انگیز و غیر قابل وصف شنیدم که اجازه ندارم درباره آنها به کسی چیزی بگویم (دوم قرتیان: ۱۲: ۴-۲).

بنابراین چون او به اعلی علیین صعود نمود. اسیری را به اسیری برد و بخشش‌ها به مردم داد (افسیان ۴: ۸). واژه «فردوس» بنابر آنچه هاکس می‌گوید: ریشه‌ای فارسی دارد و به معنای باغ و بستان است. (هاکس، ۱۳۷۷ ش، ص ۶۴۷). این واژه همانند قرآن کریم، در اناجیل نیز تعبیر فردوس نیز به کار رفته است: «عیسی به وی گفت: هر آینه به تو می‌گویم که امروز با من در فردوس خواهی بود» (لوقا ۲۳: ۴۳).

لازم به یادآوری است که واژه «فردوس»، فقط در انجیل لوقا آمده است (اکبری، ۱۳۸۶، ص ۱۷۴).

واژه «عدن»، که در ترجمه لاتینی کتاب مقدس مغفول مانده، برای نخستین بار در متن عبری باب دوم کتاب پیدایش، به شکل (gan Eden) در سفر پیدایش آمده است. عدن، آن باغی است که خداوند، آدم و حوا را پس از آفرینش در آن جای داد (ماسون، ۱۳۸۶، ص ۹۵۵).

در تلمود آمده است: «به هر فرد عادل و نیکوکار منزلی در گن (باغ) عدن می‌دهند که مناسب با شأن و منزلت اوست» (کهن، ۱۳۵۰ ش، ص ۳۸۸).

مکان بهشت

پس از آنکه بیان شد، وجود زندگی اخروی و حیات پس از مرگ، یکی از ضروریات ادیان الهی است. اینکه در ادیان الهی، بهشت جزئی مهم از زندگی اخروی می‌باشد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که مکان بهشت کجاست و نظریه ادیان الهی در این خصوص چیست؟

چنانکه قبلاً بیان شد، دین اسلام مفصل‌ترین و روشن‌ترین بحث در خصوص معاد را مطرح می‌کند. اما با این وجود، باید پذیرفت که کجایی بهشت از دیدگاه اسلام و در زبان قرآن کریم، از جمله امور غیبی به حساب می‌آید. قرآن کریم در خصوص مکان بهشت، فقط به وسعت آن در دو آیه اشاره کرده است: «... وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ...» (آل عمران: ۱۳۳)؛ و بهشتی که وسعت آن آسمان‌ها و زمین است؛ همچنین «... جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ...» (حدید: ۲۱)؛ و بهشتی که پهنه آن مانند پهنه آسمان و زمین است. *تفتازانی* در خصوص عدم امکان تعیین مکان برای بهشت می‌گوید:

در خصوص جایگاه بهشت دلیل روشنی وجود ندارد اما اکثریت معتقد هستند که جایگاه بهشت بالای آسمان‌های هفتگانه است و به آیه «عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى» استناد کرده‌اند، اما در این مسئله، حق آن است که از اظهار نظر قطعی دست برداشته و علم آن را به خدای دانا واگذاریم. (تفتازانی، ۱۴۰۱ ق، ج ۲، ص ۲۲۰). لازم به یادآوری است که در برخی از روایات اسلامی، مطالبی در خصوص مکان بهشت دیده می‌شود که در روایات از «آسمان» به عنوان جایگاه بهشت یاد می‌گردد. این روایات، غالباً توسط یکی از شاگردان *ابن عباس* نقل شده است که وی فردی کذاب و دروغگو به شمار می‌رود. لذا روایات وی قابل استناد نمی‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۸، ص ۱۲۷).

در مورد مشخص کردن مکان بهشت، در میان مسیحیان، به خصوص علمای مصر قدیم، اختلاف نظرانی وجود دارد: گروهی اعتقاد دارند که بهشت زیرزمین یا پشت کوه غربی؛ آنجا که خورشید غروب می‌کند و یا در جزیره‌ای میان بحرالابيض الوسطی دریای مدیترانه قرار دارد (عبدالباری، بی‌تا، ص ۳۴). لازم به یادآوری است که در این خصوص، نظرات متعدد دیگری نیز وجود دارد (ر.ک: ذکری، ۱۹۲۳م، ص ۱۱۳).

از دیدگاه مسیحیان، بهشت، عالم ملکوت است و در ماورای آسمان مرئی قرار دارد. چنانکه بیان شد، در اناجیل از آسمان نیز تعبیر «فردوس» شده است (لوقا: ۲۳). در آیین مسیحیت و در عهد جدید، بهشت عالم ملکوت است. درجه سعادت ازلی ارواح پارسا، متناسب با اندازه‌های است که ایشان از فیض دیدار پروردگار و درک جمال و جلال او برخوردار هستند؛ زیرا این دیدار در حد کمال سعادت است و چیزی مافوق آن متصور نیست. چنانکه بیان کردیم، در عهد قدیم اشاره مشخصی به «بهشت» و قرارگاه جاودانی ارواح آمرزیده نمی‌توان یافت.

در عهد قدیم، در مورد سرای بعد از مرگ، اشاراتی اندک وجود دارد و آن را مکانی سرد و تاریک، که قلمرو ظلمت و سکوت معرفی شده است.

برخی از نمونه‌ها در این خصوص عبارتند از:

- «اما او سرانجام به جایی که اجدادش رفته‌اند خواهد شتافت و در ظلمت ابدی ساکن خواهد شد» (مزمیر ۴۹: ۲۰).
 - «بزودی میروم و دیگر باز نمی‌گردم. به سرزمینی میروم که سرد و تاریک است، به سرزمین ظلمت و پریشانی، به جایی که خود نور هم تاریکی است» (کتاب ایوب ۱۰: ۲۲).
 - «از مرگ ترسی نداریم، بلکه از آن استقبال می‌کنیم، چون می‌دانیم که پس از مرگ نزد خداوند رفته، در خانه آسمانی مان به سر خواهیم برد» (دوم قرتیان ۵: ۸).
- با توجه به آنچه گذشت در خصوص مکان بهشت از دیدگاه ادیان الهی، به دست می‌آید که ادیان الهی در عین معرفی جایگاه بلند و اعلی برای بهشت، به نوعی از مشخص نمودن مکانی معین برای بهشت طفره رفته، فقط به بیان این نکته که بهشت در مکانی اعلی است، بسنده نموده‌اند.

بهشت سرای نعیم جاودانه

در نظر ادیان الهی حیات روحانی افراد بشر، پس از مرگ ادامه یافته، کیفیت حیات اخروی افراد، به نوع اعمال و رفتارشان در زمان حیات دنیوی آنها بستگی دارد. چنانکه بیان شد، بهشت از دیدگاه ادیان الهی، جایگاه افراد نیکوکار است. بهشت سرای نعیم الهی بوده، زندگی در آن همیشگی و جاودانه است. اسلام و مسیحیت به زندگی جاوید و دوام نعمت‌های بهشتی تصریح دارند:

در قرآن کریم آمده است: «يُسْرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ» (توبه: ۲۱)؛ پروردگارشان آنها را به رحمتی از ناحیه خودش، و رضایت خوش و باغ‌هایی از بهشت بشارت می‌دهد که در آن نعمت‌های جاودانه دارند. خدای تعالی مؤمنان را به رحمتی از خود، که از بزرگی قابل اندازه‌گیری نیست و رضوانی مانند آن و بهشت‌هایی که در آنها پایدار هست و به هیچ وجه از بین نمی‌رود و خود ایشان هم بدون اجل و یقین مدت جاودانه در آنها خواهند بود، بشارت می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۲۷۴). در این آیه قرآن کریم، با سه عبارت تأکید می‌کند که نعم بهشتی جاودانه است: واژه اول کلمه «مقیم» است؛ به معنای دائم و غیر منقطع. دومین عبارت «خالدین فیها» است. و سومین عبارت «ابدأ». این نهایت ثواب است که از ناحیه خداوند در نظر گرفته شده است (رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۶، ص ۱۵).

در آیین مسیحیت نیز به همیشگی بودن نعم الهی تصریح شده است. نمونه‌هایی از این موارد عبارتند از: «مزد گناه موت است اما نعمت خداوند حیات جاودانی است» (رساله پولس به رومیان ۶: ۲۳).

- «هر که بخاطر من از برادر و خواهر، پدر و مادر و فرزند، خانه و زمین چشم ببوشد، صد چندان بیشتر خواهد یافت و زندگی جاوید را نیز بدست خواهد آورد» (متی ۱۹: ۲۹).

- «هر که برای خدمت به ملکوت خدا، مانند شما خانه، زن و فرزندان، برادران و خواهران، و پدر و مادر خود را ترک کند، در همین دنیا چندین برابر به او عوض داده خواهد شد و در عالم آینده نیز زندگی جاودانی را خواهد یافت» (لوقا ۱۸: ۳۰).

- «تمام مردگان زنده خواهند شد، بعضی برای زندگی جاودانی و برخی برای شرمساری و خواری جاودانی» (دانیال ۱۲: ۲).
- «جایگاه لذت و شادمانی ابدی و کانون سعادت و خوشبختی جاویدان که برای نیکوکاران تعیین شده است، گن عدن یا باغ عدن که همان بهشت معروف است نام دارد» (کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۸۷).
- نمونه‌های دیگری از این بحث، در یوحنا ۴: ۱۴ و ۶: ۶۸ و ۳: ۱۵؛ متی ۲۵: ۴۶ و رومیان ۶: ۲۲ آمده است.
بدین ترتیب، به جاودانه بودن بهشت، هم در اسلام و هم در مسیحیت تصریح شده است.

بهشت مکان آسایش

بهشت سرای آسایش و آرامش است که ارواح نیاکان، پارسایان و مؤمنان واقعی پس از مرگ، در آن مکان سراسر خوبی و نشاط ساکن می‌گردد. بهشت سرای نعیم جاودانه است. حال این سؤال مطرح می‌شود که این نعیم جاودانه، شامل چه نعمتهایی است و بهشتیان از چه نعمتهای بهرمنند می‌گردند؟

در یک نگاه کلی، قرآن وقتی سخن از نعم بهشتی مطرح می‌کند، بر عظمت و غیرقابل تصور بودن آن تأکید دارد: «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (سجده: ۱۷)؛ پس هیچ کس نمی‌داند چه چیزهایی که مایه شادمانی و خوشحالی آنان است، به پاداش اعمالی که همواره انجام می‌دهاند، برای آنان پنهان داشته‌اند... در آیات دیگری نیز اشاره دارد که نعم الهی در بهشت، غیرقابل تصور و درک است (ق: ۳۵).

- در روایات نبوی نیز به این موضوع تصریح شده است: «برای بندگان صالح و شایسته‌ام در بهشت نعمتهایی آماده کرده‌ام که نه چشمی آن را دیده و نه گوشی آن را شنیده و حتی بر قلب انسانی خطور نکرده است» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶ ص ۲۲).

مشابه این آیات و روایات، مطالبی هم در تعالیم مسیحیت دیده می‌شود:

- «خدا برای دوستداران خود چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده، نشنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است» (اول قرنیتان ۲: ۹).

- در یک نگاه کلی، می‌توان نعم بهشتی را به دو بخش معنوی و مادی تقسیم کرد: این تقسیم بندی، افزون بر قرآن، در متون مقدس مسیحیت نیز دیده می‌شود. در میان مسیحیان، اختلافاتی در مورد کیفیت سرای باقی وجود دارد؛ یعنی ایشان در خصوص اینکه نعم بهشت مادی است یا معنوی، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. در این راستا، مسیحیان به دو گروه تقسیم می‌شوند (الخطیب، بی تا، ص ۲۴): گروهی معتقدند: در بهشت خوردن و آشامیدن و نکاح وجود ندارد. ایشان برای اثبات نظرات خود، به مطالب انجیل مرقس استناد می‌کنند. این گروه معتقدند: نعم بهشتی در اتصال به پروردگار و لقاء خداوند و ذات اقدس او منحصر می‌شود. در مقابل، گروه دوم معتقدند زندگی آخرت به

زندگی در دنیا شبیه است و در آن، اکل و شرب و نکاح وجود دارد. این گروه، به مطالب در انجیل متی و یوحنا استناد می‌کنند(ر.ک: متی ۲۶: ۳۹؛ ۱۹: ۲۹) این نوع زندگی، با حیات دنیوی متفاوت است و آن اینکه، هیچ نوع سختی و مشقت در آنجا وجود ندارد(عبدالباری، بی‌تا، ص ۳۳).

الف. نعم معنوی در بهشت

در مرتبه نخست، متون مقدس دینی، به نعم معنوی موجود در بهشت اشاره دارند. این نعم معنوی، در محدودهٔ زمان و مکان قرار نمی‌گیرند و قابل مقایسه با نعم موجود دنیوی نیست. برخی از این نعمت‌های معنوی عبارتند از: سلام خداوند بر نیکان(یس: ۵۸؛ اعراف: ۴۶؛ زمر: ۷۳؛ نحل: ۳۲؛ رعد: ۲۴)، رضایت و خشنودی پروردگار(حدید ۲۰؛ آل عمران: ۲۱؛ توبه: ۲۱ و ۷۲)، عدم وجود هرگونه ترس و اندوه در بهشت(اعراف: ۴۹؛ زخرف: ۶۸)، شادمانی و سرور(یس: ۵۵؛ زخرف: ۷۰)، مغفرت و رحمت الهی(نساء: ۹۶؛ توبه: ۲۱؛ آل عمران: ۱۳۳ و ۱۳۶) همنشینی با نیکان، بهشتیان و ملائکه(نساء: ۶۹).

امنیت، آرامش و آسایش، مصاحبت با سایر بهشتیان، جزء نعم معنوی بهشت محسوب می‌شود که در آیات متعددی از قرآن کریم، بدان اشاره شده است: می‌فرماید: «لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَ مَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ»(حجر: ۱۸)؛ در آنجا خستگی و رنجی به آنان نمی‌رسد و هیچ‌گاه از آنجا اخراج نمی‌شوند.

در تعالیم مسیحیت نیز برخی از این نعم معنوی دیده می‌شوند. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

در رساله پولس به فیلیپیان آمده است:

– «اگر چنین کنید، از آرامش خدا بهره‌مند خواهید شد، آرامشی که فکر انسان قادر به درک آن نیست. این آرامش الهی به فکر و دل شما که به عیسی مسیح ایمان آورده‌اید، راحتی و آسایش خواهد بخشید»(رساله پولس به فیلیپیان ۴: ۷).
«خدا برای دوستان خود چیزهایی تدارک دیده است که هیچ انسانی هرگز ندیده، نشنیده و به فکرش نیز خطور نکرده است»(اول قرنتیان ۲: ۹).

از جمله نعم معنوی بهشتی، که ادیان الهی به طور مشترک به آن اشاره دارند، حضور نزد پروردگار یا لقاء خداوند است. در آیات قرآن کریم چنین آمده است: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»(کهف: ۱۱۰)؛ پس کسی که دیدار[پاداش و مقام قرب] پروردگارش را امید دارد، پس باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند. نمونه‌های دیگری از این بحث، در آیه ۱۵۴ سوره انعام آمده است. بر اساس نگاه تلمود، عالی‌ترین نعمت بهشتی و بهترین لذتی که نیکان در بهشت می‌توانند از آن بهره‌مند شوند، بودن ایشان در باغ عدن و در حضور خداوند است:

در جهان آینده ذات مقدس متبارک ضیافتی برای عادلان و نیکوکاران در گن عدن ترتیب خواهد داد... در آن هنگام فرزندان اسرائیل به حضور ذات قدوس متبارک چنین خواهند کرد، آیا ممکن است میزبانی برای میهمان خویش ضیافتی ترتیب دهد، و خود نزد آنها ننشیند؟... و در آن لحظه او به گن عدن نزول اجلال خواهد فرمود(کهن، ۱۳۵۰، ص ۳۸۹).

ب. نعمت‌های مادی در بهشت

گستره نعم مادی بهشت وسیع است. به طور کلی اطعمه، اشربه، البسه بهشتی و تخت‌های آراسته و نهرهای جاری و... همگی جزء نعم مادی بهشت محسوب می‌گردند. بررسی آیات متعددی از قرآن کریم، گویای این مطلب است. در اینجا برخی از نعم مادی بهشت، که در قرآن به آن اشاره شده است، بیان می‌گردد: در بهشتی که قرآن آن را به تصویر می‌کشد، گرسنگی و تشنگی وجود ندارد و در آنجا انواع میوه‌ها وجود دارد (واقعه: ۲۹ و ۳۲؛ الرحمن: ۶۸؛ انعام: ۹۹؛ الانبیاء: ۳۱ و ۳۲). علاوه بر میوه‌ها، از انواع گوشت‌ها بخصوص گوشت پرنده‌گان یاد شده است (ر.ک: واقعه: ۲۱؛ طور: ۲۲). نوشیدنی‌های بهشتی، بخش دیگری از نعم مادی بهشت هستند (ر.ک: انسان: ۵ و ۱۷ و ۲۱؛ ص: ۵۱؛ مطففین: ۲۶-۲۵؛ محمد: ۱۵؛ واقعه: ۱۸). یکی دیگر از نعم مادی بهشت، این است که در قرآن وجود هرگونه سرمای شدید در بهشت را منتفی می‌داند (ر.ک: انسان: ۱۳).

در آیین مسیحیت نیز تصویری از بهشت موعود پرهیزکاران ترسیم شده است که این تصاویر، نمایانگر همه گونه نعم مادی در بهشت برای اهل آن است. چنانکه در عهد جدید آمده است:

«... ومن ملکوتی برای شما قرار می‌دهم چنانکه پدرم برای من مقرر فرمود تا در ملکوت من از خوان من بخورید و بنوشید و بر کرسی‌ها نشسته و بر دوازده سبط اسرائیل داوری کنید» (لوقا: ۲۲).

«آنان از این پس، از گرسنگی و تشنگی و گرمای سوزان نیمروز در امان خواهند بود» (مکاشفه یوحنا ۷: ۱۶).
در خصوص تعلیمات تلمود در مورد نعم بهشتی، باید گفت:

«در جهان آینده ذات قدوس متبارک ضیافتی از گوشت لویاتان برای عادلان و نیکوکاران ترتیب خواهد داد...» (کهن، ۱۳۵۰ش، ص ۳۸۹).

«شرابی خواهد بود از شش روز خلقت (اولیه) در انگور محفوظ باقی مانده است» (پراخوت ۳۴ب).

لازم به یادآوری است که در نکته‌ای تأمل برانگیز در بخشی از تلمود آمده است: «در جهان آینده نه خوردن هست و نه آشامیدن» (پراخوت ۱۷ الف).

با توجه به بررسی‌های انجام شده، به دست می‌آید که در اسلام و مسیحیت، به وجود نعم مادی در بهشت اشاره، بلکه تصریح شده است.

ازدواج در بهشت

چنان که بیان شد، به طور کلی نعم بهشتی را می‌توان به دو بخش مادی و معنوی تقسیم نمود. ازدواج یکی از نعم مادی در بهشت است که ادیان الهی، هریک به نوعی به آن توجه دارند. البته توجه هریک با دیگری متفاوت و گاه متناقض است.

قرآن کریم از تزویج با حوربان بهشتی، به عنوان یکی از نعم الهی یاد می‌کند. تصریح دارد که اهل بهشت از این نعمت الهی برخوردار هستند. (گفته شده که در بهشت ازدواج راه ندارد بلکه منظور قرین بودن اهل بهشت با حور العین است. طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۹، ص ۱۰۵). در مورد کیفیت و نوع ازدواج بهشتی میان مفسران مسلمان، دو دیدگاه وجود دارد؛

گروه اول، معتقدند ازدواج در بهشت، تمام خصوصیات ازدواج دنیوی را دارا می‌باشد. و واژه «تزویج» مطرح شده در آیات را به معنای «تنکیح» در نظر می‌گیرند. چنانکه ذیل آیه «... وَ زَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» (دخان: ۵۴؛ طور: ۲۰)؛ و آنها را با حورالعین تزویج می‌کنیم. اُخفش می‌گوید: که منظور از «تزویج» در این آیه، همان ازدواج معروف است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۵). همچنین، مجاهد می‌گوید: منظور این آیه آن است که در بهشت حوریه‌ای را به نکاح اهل بهشت در می‌آوریم (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۳). طبری نیز در تفسیر خود، تصریح می‌کند که منظور از «تزویج» در این آیه نکاح است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۵، ص ۸۲).

گروه دوم از مسلمانان، کسانی هستند که معتقدند: تزویج در بهشت به معنای تنکیح نمی‌باشد و صرفاً به معنای قرین یکدیگر و در کنار هم بودن است. طبرسی ذیل آیه «كَذَلِكَ وَ زَوْجَانَهُمْ بِحُورٍ عِينٍ» می‌گوید: مراد از تزویج اهل بهشت با حوریان، این است که قرین حوریان هستند؛ چون این تزویج به معنای ازدواج اصطلاحی نیست، بلکه از زوج به معنای قرین است که معنای اصلی لغوی آن است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۲۶). این دیدگاه را علامه طباطبائی نیز مطرح کرده‌اند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۲۲۹).

در آیین مسیحیت و در اناجیل، تصریح شده است که در سرای باقی، نکاح وجود ندارد. چنانکه در انجیل متی آمده است: «در قیامت نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند، بلکه مثل ملائکه خدا در آسمان می‌باشند (متی: ۲۲).

شیخ جواد بلاغی، در *احتجاجات* خود تصریح می‌کند که این عقیده، یعنی عدم وجود ازدواج، یکی از خرافاتی است که به دین مسیحیت راه یافته است (بلاغی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۲؛ همو، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۶). عهد قدیم نیز همانند سایر موارد، در این خصوص نیز ساکت است و مطالب مهمی را بیان نمی‌کند. اگر چه برخی از این گونه تصاویر، از ضیافت‌های بهشتی و تخت‌های آراسته برای افراد عادل در سنت یهودی نیز دیده می‌شود. اما بحثی از نکاح مطرح نیست.

از بررسی عقاید موجود در این خصوص به دست می‌آید که توافقی در ادیان الهی در خصوص اینکه ازدواج، یکی از نعم بهشتی هست یا نه، وجود ندارد. دیدگاه گروه اول از مسلمانان، با اعتقادات مسیحیان کاملاً در تضاد است و ظاهراً هیچ گونه مشابهتی دیده نمی‌شود. اما دیدگاه گروه دوم از مسلمانان، کاملاً با نظرات و اعتقادات مطرح شده در عهد جدید مطابقت دارد.

بهبشت آدم و حوا

یکی از مباحث مهم مطرح در ادیان الهی، بحث در مورد بهشتی است که آدم و حوا در آن سکونت داشته‌اند. اینکه آدم و حوا در کدام بهشت سکونت داشته‌اند و علت هبوط ایشان چه بوده است؟ از مجموع آیات قرآن، مربوط به خلقت انسان به دست می‌آید که آدم و حوا، از ابتدا برای زندگی در زمین خلق شده بودند. از این رو، در قرآن کریم آمده است: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد. آنچه در جریان سکونت آدم در بهشت و سپس، نزول و هبوط به زمین در قرآن کریم آمده است، در حقیقت بیانگر بخشی از قوس

نزولی خلقت انسان است. آدم در سیر نزولی، ابتدا در بهشت برزخی ساکن می‌شود که عالمی پایین‌تر از عالم ملائک و روح است و بالاتر از ماده و خاک قرار دارد. بهشتی که حضرت آدم قبل از هبوط به زمین بطور موقت در آن ساکن شد، بهشت جاودان اخروی نبوده است؛ زیرا اولاً، بهشت اخروی (جنة الخلد)، جاودان و دائمی است و در آیات بسیاری، بر جاودانگی و دائمی بودن آن تأکید شده است. اینکه اگر کسی وارد آن شود، هرگز از آن خارج نخواهد شد. ثانیاً، در بهشت اخروی (جنة الخلد) ابلیس و وسوسه‌های شیطانی راه ندارد. در حالی که بنابر نص صریح قرآن کریم، آدم و حوا در آن بهشت فریب شیطان را خوردند: «فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ... فَذَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ» (اعراف: ۲۰ و ۲۱). پس شیطان آن دو را وسوسه کرد... و به این ترتیب آنها را با فریب فرود آورد. همچنین، در تعالیم اسلامی دلایلی وجود دارد که بهشت و آدم و حوا، از جنس باغ‌های زمینی نبوده است. از آن جمله، می‌توان به صریح آیات مخصوص هبوط به زمین اشاره کرد (بقره: ۳۶).

در عهد قدیم، بهشت آدم و حوا جایی است که خداوند (میوه) در بدو خلقت، آدم و حوا را در آنجا آفرید و خواست که آنجا را اقامتگاه جاوید نوع بشر قرار دهد تا در آن، افراد بشر از درد، بیماری، پیری و مرگ مصون باشند و سعادت جاوید داشته باشند. اما آدم، با گناه خوردن میوه شجره ممنوعه، که حوا عامل آن بود، از این بهشت طرد شد و از آن پس، دیگر از این باغ، که «عدن» بود، اثری نماند (سفر پیدایش: ۲ و ۳).

- لازم به یادآوری است که در تورات، بعد از فصول اول (سفر پیدایش: ۲ و ۳)، دیگر از این باغ عدن سخنی به میان نمی‌آید. چنین به نظر می‌رسد که یهودیان برای همیشه این «بهشت اولیه» را از دست رفته دانسته‌اند.

- در عهد جدید، بعد از فرشتگان، آدمیان، مخلوقات برگزیده خداوند هستند. خداوند، انسان را به صورت خود و بدون نقص و معصوم آفرید و او را در باغ بهشت جای داد تا پیوسته با بیگناهی و صفا در آن به سر برد. اما آدم و حوا، با غرور و بلندپروازی خود از فرمانی که خداوند برای آزمایش فرمانبرداری ایشان به آنها داده بود و آنها را از خوردن میوه درخت «معرفت نیک و بد» منع کرده بود، سر باز زدند. از این راه، به خدا عصیان ورزیدند و در نتیجه، طرد شدند (رک: پیدایش ۲: ۱۰-۱۴).

- «خداوند آدم را در باغ عدن گذاشت تا در آن کار کند و از آن نگهداری نماید و به او گفت: از همه میوه‌های درختان باغ بخور، بجز میوه درخت نیک و بد؛ زیرا اگر از میوه آن بخوری مطمئن باش خواهی مرد» (پیدایش: ۱۵-۱۷). از مجموع این بررسی‌ها، به دست می‌آید که بهشت آدم و حوا فقط در قرآن کریم است که از لحاظ مشخصات با بهشتی، که مومنان پس از مرگ و در دنیای جاویدان به آن می‌روند، تا حدودی مشابهت دارد. توجه به این نکته ضروری است که بهشتی که آدم پیش از هبوط در آن بوده، بهشت جاودان نبوده، بلکه بهشت برزخی بوده که غرأثر بشری در آنجا ظاهر و آشکار شده است (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، ج ۸، ص ۴۶). شواهد فراوانی نشان می‌دهد که بهشت آدم و حوا، غیر از بهشت اخروی است؛ چرا که آن پایان سیر انسان است و این آغاز سیر او بود (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۷).

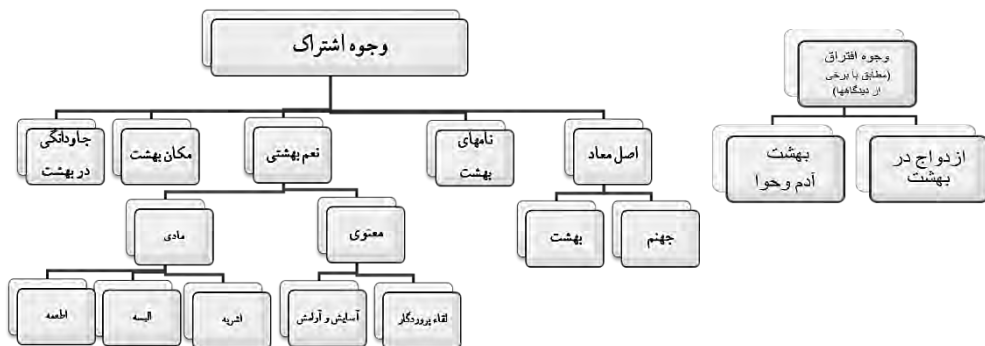
در آیین مسیحیت، این بهشت نخستین جایگاه بشر محسوب شده، دیگر جایی برای آن در آینده بشر در آن

متصور نیست. سرنوشت او در دنیای جاویدان برای بهشت دیگری رقم می‌خورد. از عهد قدیم بر می‌آید که خداوند انسان را در سرزمین عدن، که در زمین برای انسان ایجاد نموده بود، مسکن داد. ولی قرآن، بهشت را مسکن اولیه انسان معرفی می‌کند (اشرفی، ۱۳۸۵، ص ۱۹۴).

نتیجه‌گیری

در ادیان الهی، همانطور که خداوند سر آغاز همه چیز است، پایان همه چیز نیز هست. در همه ادیان توحیدی، خط سیر وجودی انسان از خدا آغاز شده و به او ختم می‌گردد. زندگی انسان، از دیدگاه ادیان الهی در این دنیا پایان نمی‌یابد. ادیان الهی برای پیروان خود، چشم‌اندازی از زندگی اخروی را ترسیم می‌کنند. در این چشم‌انداز، بهشت جایگاه نیکوکاران، پارسایان و مؤمنان حقیقی است. مکان بهشت و جایگاه حقیقی آن، بطور قطع معلوم نیست. فقط علو مرتبه و جایگاه آن از مسلمات به شمار می‌رود. نعم بهشتی، از جاودانگی برخوردار هستند و اهل بهشت برای همیشه در بهشت جاودان خواهند بود. در بهشت، برای اهلش سرای خوشی و شادمانی جاودانه است. ادیان الهی، ضمن بیان اسامی مختلف برای بهشت از نعم مادی و معنوی آن نام برده‌اند. با وجود مشترکات بسیار در مورد بهشت، این حقیقت به چشم می‌خورد که این اختلافات خدشه‌ای به اصل مسئله بهشت و نعم جاودانه آن وارد نمی‌کند، آنچه مسلم است اینکه بهشت جزء لاینفک سرای باقی و جایگاه نیکوکاران است.

آنچه به روشنی از این نوشتار به دست می‌آید این است که بهشت و نعم آن، اختصاص به دین اسلام ندارد؛ و چنین نیست که خداوند این نعم را فقط در قرآن کریم، آن هم مطابق با امیال اعراب مطرح کرده باشد. از این رو، این سخن که نعم بهشتی متناسب با احوال مردمان زمان نزول قرآن بوده است، گزاره‌ای بیش نیست. به عبارت دیگر، با توجه به نکات مطرح شده در این مقاله، مشخص می‌شود که پرداختن به نعم بهشتی، بخصوص نعم مادی مخصوص اسلام و قرآن نیست. فقط به مسلمانان وعده بهشت برین داده نشده است، بلکه در تعالیم سایر ادیان الهی نیز این موضوع مطرح است. این نکته، پاسخ اصلی و مهم به این شبهه است که آیا توصیف قرآن از بهشت، مطابق سلیقه و درک اعراب زمان نزول قرآن بوده است؟! از بررسی انجام شده به دست می‌آید که زندگی پس از دنیا و بهشت، در همه ادیان الهی مطرح شده و جزئیات آن در ادیان گوناگون دارای مشابهت‌هایی می‌باشد.



منابع

عهدین، ترجمه تفسیری، چاپ ۲۰۰۲ م.

ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۰۵ ق، *لسان العرب*، قم، نشر ادب الحوزه.

اشرفی، عباس، ۱۳۸۵، *مقایسه قصص در قرآن و عهدین*، تهران، امیر کبیر.

اکبری دستک، فیض الله، ۱۳۸۶، مقاله «گزاره‌های اناجیل اربعه در باب معاد و مقایسه آنها با گزاره‌های قرآنی»، پژوهش دینی، ش ۱۵، ص ۱۵۷-۱۷۸.

بلاغی، محمدجواد، ۱۴۱۴ق، *الرحله المدرسیه*، بیروت، دارالزهراء للطباعه و النشر و التوزیع.

—، ۱۴۰۵، *الهدی إلى دین المصطفی*، بیروت، موسسه الأعلمی للمطبوعات.

بی‌ناس، جان، ۱۳۷۵ ش، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، چ هشتم، تهران، علمی و فرهنگی.

تفتازانی، سعد الدین، ۱۴۰۱، *شرح المقاصد فی علم الکلام*، پاکستان، دار المعارف العثمانیه.

الخطیب، محمد احمد، بی تا، *یوم القیامه فی المسیحیه*، دوحه، جامعه قطر.

ذکری، أنطون، ۱۹۲۳م، *الادب و الدین عند قدماء المصریین*، بی جا، مطبعة المعارف و مکتبته‌ها.

رازی، فخرالدین، ۱۴۲۰ق، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی

راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، ۱۳۶۲ ش، *مفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن*، چ دوم، المکتبه المرتضویه.

سیوطی، جلال الدین، ۱۴۰۴ق، *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

شبلی، احمد، ۱۹۷۳م، *مقارنه الادیان الیهودیة*، چاپ سوم، قاهره، مکتبه النهضة المصریة.

صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۵ق، *مجمع البیان*، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات

طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة

طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۴۰۸ق، *مجمع البحرین*، تحقیق سیداحمد الحسینی، چ سوم، بی جا، مکتب النشر الثقافه الاسلامیة.

طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الاحکام*، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

عبدالباری، فرج الله، بی تا، *یوم القیامه بین الاسلام و المسیحیه و الیهودیة*، آفاق العربیة، بی جا.

فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ هـ، *کتاب العین*، تحقیق مهدی فخرومی، بیروت، موسسه دار الهجرة.

کهن، ابراهام، ۱۳۵۰ ش، *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه از متن انگلیسی امیر فریدون گرکانی، چاپخانه زیبا، بی جا.

ماسون، دینز، ۱۳۸۶ ش، *قرآن و عهدین درون مایه‌های مشترک*، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، سپهروردی.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار*، تحقیق جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴ ش، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیة.

هاکس، جیمز، ۱۳۷۷ ش، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر.

هیوم، رابرت، ۱۳۷۶ ش، *ادیان زنده جهان*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، چ پنجم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.